

راهبردها و راهکارهای «پارادایلماسی شهری» جهت برون‌رفت از مناقشه

پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

حبیب رضازاده*

دانشجوی دکترای علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

شهاب دلیلی

دانشجوی دکترای علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

با کاهش نقش دولت‌ها در عصر جهانی‌شدن، شاهد نقش‌آفرینی هویت‌های فراملی در قالب «دیپلماسی شهری» در عرصه سیاست خارجی، مستقل و موازی با حکومت مرکزی هستیم؛ نقشی که از اهمیتی فزاینده برخوردار است و با تأکید بر ملت‌ها به جای دولت‌ها می‌تواند در کنار دیپلماسی رسمی در بهبود مسائلی هم‌چون پرونده هسته‌ای ایران موثر واقع شود و در زمینه‌های با تسهیل ارتباطات با عرصه عمومی کشورهای جهان و اطلاع‌رسانی نقش مؤثری در این خصوص ایفا نماید. مطالعه فراز و فرودهای سیاسی تاریخی مذاکرات هسته‌ای ایران، یک نکته اساسی را پیش‌روی ما از پرده برون می‌افکند، که این مذاکرات تنها از طریق رویکردهای دیپلماسی کلاسیک پیش‌برده شد، در حالی که امروزه فرصت‌ها و چالش‌های مشترکی پیش‌روی ملت‌ها قرار دارد که تنها با همکاری‌های در تمامی سطوح فراملی، ملی و فراملی رفع می‌گردد. برآنیم تا دریابیم که «تغییرات روابط بین‌الملل در عصر جهانی‌شدن و ظهور رویکرد پارادایلماسی شهری چگونه در خصوص پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به ایفای نقش می‌پردازد؟ فرضیه اصلی این نوشتار بیان می‌دارد که: جهانی‌شدن، مسیر مذاکرات در سطح دولت - ملت‌ها (ملی) را به سمت دیپلماسی شهری (فراملی - فراملی) چرخانده و می‌توان با ابزارهای این رویکرد در سطح بین‌المللی به اهداف مورد نظر در پرونده هسته‌ای دست یافت؛ لذا دیپلماسی شهری یکی از عمده عوامل موثر در خصوص مسئله پرونده هسته‌ای ایران است.

کلید واژه‌ها

دیپلماسی، پارادایلماسی، دیپلماسی شهری، برنامه هسته‌ای ایران، جهانی‌شدن.

کاهش نقش دولت‌ها در عصر جهانی شدن موجب نقش‌آفرینی فزاینده‌ی بازیگران فروملی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شده است، به‌گونه‌ای که بازیگران فروملی در عرصه‌ی سیاست خارجی نیز ورود یافته و ترجیح داده‌اند مسیرها و روش‌هایی را در سیاست‌خارجی برای تأثیرگذاری بر روابط بین‌الملل به‌کار گیرند. در این میان برخی نهادهای محلی در شهرها درصدد برآمده‌اند تا از رهگذر برقراری ارتباطات با دیگر شهرها و نیز مطرح شدن به عنوان بستری مناسب برای شکل‌گیری فرآیندهای جهانی، به «شهرهای جهانی» تبدیل شوند. لذا «مجمع جهانی شهری»¹ تشکیل گردید و تأثیرات سریع شهری شدن روی مشکلات و مسائل جوامع، شهرها مورد بررسی قرار داد و به دنبال ارائه خط‌مشی‌ها و راهبردها در این زمینه پرداخت. «دیپلماسی شهری» (تحت عنوان پارادایم‌های دیپلماسی موازی) می‌تواند در حمایت و تکمیل دیپلماسی دولت مرکزی اتخاذ شود. واقعیت آن است که با توجه به رشد ساختارهای تصمیم‌گیری محلی در عرصه بین‌المللی در عصر جهانی شدن، شهرها و استان‌ها را می‌توان بازیگران نوین در روابط بین‌الملل معاصر دانست.

در این راستا حکومت‌های محلی برای مثال شهرداری‌ها، به دلایل اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی درصدد ارتقا همکاری‌های بین‌المللی بر می‌آیند. به‌گونه‌ای که در بستر جهانی شدن، کلان‌شهرها و به‌خصوص «شهرهای جهانی» به عنوان کنشگران جدید عرصه بین‌المللی می‌کوشند در چارچوب سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و «پارادایم‌های شهری» در مواجهه با فرصت‌ها و چالش‌های مشترک جهانی مشارکت کنند تا از این طریق موقعیت جهانی خود را ارتقا بخشند و بتوانند در حکمرانی جهانی نقش بسزایی ایفا کنند. بر این مبنا «پارادایم‌های شهری» یا «دیپلماسی موازی» (دهشیری، 1392: 35)، به‌معنای نقش‌آفرینی هویت‌های فروملی در عرصه سیاست‌خارجی و مشارکت آنان، مستقل از حکومت مرکزی در عرصه روابط بین‌الملل، از اهمیتی فزاینده در عصر جهانی شدن برخوردار شده است. از آن‌رو که با توجه به فرسایش حاکمیت‌ها و کم‌رنگ شدن مرزها، حدود و حیطه‌ی اختیارات حکومت‌های مرکزی در حال کاهش و کارکرد ساختارهای تصمیم‌گیری محلی در حال افزایش است. در چنین فضای افقی در حکمرانی جهانی که مبتنی بر حاکمیت چند سطحی، چندگانه و چند لایه می‌باشد، مشارکت بازیگران فروملی از جمله شهرها، شهرداری‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و... در چارچوب «دیپلماسی شهری» رو به افزایش است.

شناخت و بررسی وجوه کاربردی توسعه و به‌سازی تعامل‌ها و مناسبات بر پایه پارادایم‌های شهری در مسئله هسته‌ای ایران در کانون توجه این گزارش پژوهشی می‌باشد. بر این اساس در پی آنیم تا دریاپیم «تغییرات روابط بین‌الملل در عصر جهانی شدن و ظهور رویکرد پارادایم‌های شهری چگونه در خصوص پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به ایفای نقش می‌پردازد؟» و در کنار این سوال اصلی به سوالاتی فرعی نیز پاسخ دهیم، سوالاتی هم‌چون «تغییرات روابط بین‌الملل در عصر جهانی شدن چگونه تأثیراتی بر دیپلماسی داشته است؟ چگونه نسبتی بین رویکردهای دیپلماسی شهری و رویکردهای دیپلماسی سنتی در حل پرونده هسته‌ای ایران برقرار می‌باشد؟ دیپلماسی شهری چگونه راهکارهایی جهت حل مسئله پرونده هسته‌ای ایران ارائه می‌دهد؟ دیپلماسی شهری چه چالش‌ها و فرصت‌هایی در این مسیر ایجاد می‌کند؟ و در این رابطه فرضیه اصلی بیان می‌دارد که «جهانی شدن مسیر مذاکرات، در سطح دولت - ملت‌ها (ملی) را به سمت دیپلماسی شهری (فروملی - فراملی) چرخانده و این رویکرد از طریق اعزام هیئت‌هایی مذاکره کننده، انعقاد موافقت‌نامه‌ها، تفاهم‌نامه‌ها و دیگر ابزارهای حقوقی، مشارکت در مجامع محلی - بین‌المللی، ایجاد دفاتر نمایندگی،

گشودن خانه‌های فرهنگ در سایر کشورها و پیوستن به شبکه‌های همکاری بازیگران غیردولتی در سطح بین‌المللی به اهداف مورد نظر در پرونده هسته‌ای دست می‌یابد، لذا دیپلماسی شهری یکی از عمده عوامل موثر در حل مسئله پرونده هسته‌ای ایران است.

از جمله اهداف علمی این پژوهش دستیابی به شناخت تغییرات روابط بین‌الملل در عصر جهانی‌شدن و تأثیرات آن بر فرآیند دیپلماسی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی شهری، بسترسازی نظری برای ایجاد دیپلماسی شهری جهت حل مسئله پرونده هسته‌ای ایران، ارائه راهکارها عملی دیپلماسی شهری جهت این موضوع، شناخت چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی شهری در این مسیر می‌باشد.

چارچوب مطالعاتی

کم‌رنگ شدن حاکمیت دولت‌ها، فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشد بازیگران غیردولتی و آگاهی فزاینده مردم در سطح جهانی (روزنا، 1382: 35) از اصلی‌ترین عواملی است که در تحول دیپلماسی نقش‌آفرینی می‌کند. دیپلماسی نوین، پدیده‌ای در بستر جامعه مدنی جهانی است که در آن فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطی، سازمان‌های جدید دولتی و غیردولتی، مردم و گروه‌های فشار، انجمن‌های تخصصی و نظایر آن، خواستار نقش‌آفرینی بیش‌تر در مسائل جهانی هستند. امروزه مسائلی چون مسائل زیست‌محیطی، جلوگیری از تنازعات، موضوعات حقوق بشری و کمک‌های بشردوستانه، ایدز، فشار جمعیت، پدیده مهاجرت، پارادوکس‌های جهانی‌شدن و سایر بحران‌ها و چالش‌های فراسوی جامعه بین‌الملل آن‌قدر پیچیده‌اند که ملت - کشورها و دیپلماسی سنتی به‌تنهایی نمی‌توانند با آنها مقابله کنند (سیمبر، 1388: 44). براساس تعریف دانشنامه روابط بین‌الملل، سیاست خارجی عبارت است از «راهبرد یا بخشی از یک نقشه کاربردی برای تصمیم‌گیری در یک کشور در برابر کشورهای دیگر یا نهادهای بین‌المللی، برای دست یافتن به اهداف ویژه ملی که در اصطلاح به آن منافع ملی می‌گویند» (Plano & Olton, 1982: 6). اما امروزه با جهانی‌شدن اقتصاد، فرهنگ و فناوری می‌توان تغییر دیپلماسی سنتی به دیپلماسی مدرن را در حوزه سیاست خارجی کشورها، مشاهده نمود. تغییری که عامل ایجاد ساختارهای جدیدی به نام «دیپلماسی اقتصادی»¹، «دیپلماسی فرهنگی»²، «دیپلماسی فناوری»³ و «دیپلماسی شهری»⁴ شده است. یکی از جنبه‌های دیپلماسی در جهان سیاست، «دیپلماسی فرهنگی» است. این ابتکار به‌طور مشخص در سال 1936م در کنفرانسی که در آرژانتین برگزار شد، مطرح و در قالب سند کنوانسیون بوئنوس آیرس متبلور شد (Mulcahy, 1999: 11). نکته مهم در این سند نقش تبادل هویت‌های فرهنگی متشکل از دانشجویان، دانشمندان، هنرمندان، استادان دانشگاه‌ها و موسسات غیردولتی، میان کشورها بود. «دیپلماسی فرهنگی» از همان آغاز از طرف نهادهای فرهنگی غیردولتی قویاً حمایت می‌شد. از سوی دیگر چالش‌ها و فرصت‌های جهانی‌شدن، پس از پایان جنگ سرد، ایجاد پیشرفت جدید در توسعه نهادهای دیپلماسی عمومی و ابزار دیپلماسی فرهنگی را طلب می‌کرد (امینی، 1391: 401).

«دیپلماسی فرهنگی» عبارت است از «بهره‌گیری از هنر دیپلماسی، برای ترویج و توسعه فرهنگ» (Sahai, 2003: 4). یعنی اگر ما روش زندگی گروهی از مردم را به‌عنوان روندی که آن گروه خاص را به بلوغ رسانده است، به گروه

دیگری انتقال دهیم، در نتیجه از طریق دیپلماسی فرهنگی ایجاد آگاهی نموده‌ایم. این امر ممکن است از طریق سازماندهی رویدادهای بزرگ فرهنگی و یا از طریق فعالیت‌های فرهنگی شناخته شده به دست آید. به این ترتیب جهانی شدن، به‌ویژه جهانی شدن فرهنگ، کارکرد دیپلماسی به‌ویژه دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان ابزار پیگیری سیاست خارجی کشورها را متحول ساخته است.

در میانه دیپلماسی نوین، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی، رویکرد «دیپلماسی شهری» مطرح گشت. به عبارت دیگر «دیپلماسی شهری به معنای تمرکززدایی از مدیریت روابط بین‌الملل و نقش‌آفرینی نمایندگان شهرها و مقامات محلی به‌عنوان بازیگران کلیدی تعاملات بین‌المللی در موضوعاتی است که ارتباط مستقیم با شهروندان داشته و در ارتقای قدرت نرم و هوشمند کشور موثر است» (جمالی‌نژاد، 1392: 3). هم‌چنین علاوه بر واژه «دیپلماسی شهری»، واژه‌های «دیپلماسی شهر به شهر»، «دیپلماسی شهرداری» و «دیپلماسی شهروندی» نیز به کار برده شد تا نقش شهرها را در ایجاد بستر مناسب برای کسب وجهه‌ی بین‌المللی و افزایش سرمایه‌گذاری (مادی و معنوی) خارجی به‌منصه‌ی ظهور رساند (Acuto, 2013: 20).

پرونده هسته‌ای ایران: نمونه‌ای از روندهای دیپلماسی سنتی و کلاسیک

در این بخش تلاش می‌شود تا با نگاهی به فراز و فرودهای پرونده‌ی هسته‌ای ایران این نکته روشن شود که در این فرآیند دولت‌های طرفین درگیر این مناقشه تنها از روندهای جا افتاده‌ی دیپلماسی سنتی و کلاسیک استفاده کرده‌اند. علت این موضوع را در موارد چندی می‌توان جستجو نمود. از جمله اینکه این مناقشه از اهمیت بالای استراتژیکی برای دو طرف برخوردار است و به‌همین دلیل مجال کمتری برای ایفای نقش گروه‌های کوچک‌تر به‌وجود آمد. از طرفی، طرفین اصلی درگیر این مناقشه یعنی ایران و آمریکا به‌دلیل نداشتن روابط سیاسی امکان اعمال دیپلماسی از نوعی دیگر مثل دیپلماسی شهری را نداشتند. با این مقدمه نگاهی به روند پرونده‌ی هسته‌ای ایران می‌اندازیم تا نتایج رویکرد کلاسیک دیپلماسی در این مناقشه را مدنظر قرار دهیم.

در منطقه خاورمیانه، کشورهای ایران، عراق، لیبی از جمله متهمان (از سوی ایالت متحده آمریکا) علاقمند به تولید و تکثیر سلاح‌های مذکور به‌حساب می‌آیند. مسئله عراق با حمله آمریکا و متحدانش به بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی در این کشور مسیر ویژه‌ای یافت و لیبی نیز با تغییر سیاست از ترکش‌های این اتهام دور گشت و در نهایت با روند «بهار عربی» به‌صورت بنیادی چهره‌ای دیگر یافت. اما جمهوری اسلامی ایران هم‌چنان آماج حملات کشورهای غربی در خصوص اتهام فوق می‌باشد. بررسی اجمالی فراز و فرودهای تاریخی مذاکرات این موضوع در اینجا لازم به‌نظر می‌رسد. قبل از وقوع انقلاب اسلامی، مسئله دستیابی و استفاده‌ی ایران از فناوری هسته‌ای مورد حمایت و پشتیبانی کامل ایالات متحده بود. به‌طوری‌که مقامات کاخ سفید نسبت به دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بی‌میل نبودند؛ چراکه موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در دوران جنگ سرد و هسته‌ای شدن آن، تا حد زیادی می‌توانست منافع و امنیت آمریکا و متحدان آن به‌ویژه اسرائیل را در منطقه بهبود بخشد. در همین راستا مرکز تحقیقات هسته‌ای تهران¹ در سال 1967م و سازمان انرژی اتمی ایران² در سال 1974م تأسیس شدند. سازمان انرژی اتمی ایران عهده‌دار ساخت 4 نیروگاه در بوشهر (و دارخوین)، ایجاد تأسیسات آب شیرین در بوشهر، تأمین سوخت و پشتیبانی تکنولوژیکی از نیروگاه‌ها و قرارداد ساخت 4

نیروگاه دیگر در اصفهان و استان مرکزی گردید. هم زمان با این تحولات، نخست دانشگاه تهران و سپس دانشگاه شیراز نیز در زمینه فناوری هسته‌ای به تربیت دانشجو در رشته مهندسی هسته‌ای پرداختند (Sahimi, 2003).

در بحبوحه انقلاب اسلامی ایران شاپور بختیار، آخرین دولت محمدرضا پهلوی به لغو یک‌جانبه قرارداد هسته‌ای ایران و فرانسه مبادرت نمود و با پیروزی انقلاب اسلامی مقامات جمهوری اسلامی ایران در صدد برآمدند که تمامی برنامه‌های اتمی رژیم شاهنشاهی را برچینند؛ لذا طرح انرژی اتمی مورد انتقاد قرار گرفت: که اولاً انرژی اتمی جز نیازهای ضروری و واقعی ایران نیست، ثانیاً به علت نبود فناوری آن در داخل، کشور وابسته به بازار اتمی خارج می‌شود که تهدیدی برای استقلال سیاسی کشور است و ثالثاً به علت وارداتی بودن آن، قیمت انرژی تمام شده برای ایران سه تا چهار برابر سایر کشورها است (بصیری، 1377: 87).

به‌رغم تفکر فوق، دولت انقلابی ایران تا سال 1365 هیچ موضع رسمی نسبت به انرژی اتمی اعلام نکرد و در این سال بود که با یک شرکت چندملیتی برای از سرگیری طراحی نیروگاه اتمی بوشهر وارد مذاکره گردید و مرکز اتمی جدید در اصفهان دایر شد و قراردادی با آرژانتین برای ساخت یک مرکز غنی‌کننده اورانیوم به مقدار 20٪ امضاء شد. با پایان جنگ ایران و عراق، برنامه انرژی هسته‌ای با جدیت بیشتری دنبال شد و در همین زمان قراردادی هم با چین جهت تکمیل مرکز تحقیقات اتمی اصفهان منعقد شد (بصیری، 1377: 88). از سال 1990م به‌بعد ایران مذاکرات خود را برای خرید راکتورهای هسته‌ای آبی آغاز کرد و پس از آن بود که تحلیل و تفسیرهای فراوانی درباره تلاش ایران برای کسب فناوری هسته‌ای منتشر گردید و هرگونه تلاش ایران برای دستیابی به فناوری مذکور به فعالیت‌های سری ایران در جهت تولید سلاح اتمی نسبت داده شد. الوطن العربی مدعی خرید سه کلاهک هسته‌ای تاکتیکی، توسط ایران از جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی به ارزش 150 میلیون دلار شد و برخی از منابع دیگر نیز ادعا کردند که این قرارداد شامل فروش 4 فشنگ توپخانه هسته‌ای 154 میلی‌متری خریداری شده از قزاقستان می‌باشد. اخبار فوق زمینه را برای اعلام خطر غرب فراهم آورد (احتشامی، 1378: 181). به‌گونه‌ای که تلاش ایران در زمینه‌های مذکور به بحرانی در روابط ایران با غرب و به چالشی عمده در روابط ایران و آمریکا تبدیل شد.

روند مذکور با سخنرانی‌های معارضة‌جویانه‌ی دو تن از اعضای بلندپایه مجاهدین خلق در واشنگتن مبنی بر این‌که جمهوری اسلامی ایران در مراکز هسته‌ای نطنز و اراک با قابلیت تولید سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی به غنی‌سازی اورانیوم و پلوتونیوم مشغول است، اوج گرفت (توانا، 1383: 15) و پرسش‌های جدی را در مورد صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران مطرح کرد و در فوریه 2002م بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از بازرسی اعلام کردند که ایران مقداری «هگزافلوراید اورانیوم» وارد سانتریفیوژهای گازی نموده است و این مسئله را اعلام نکرده است (همشهری دیپلماتیک، 1383: 7).

محمد البرادعی مدیرکل (وقت) آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نیز در گزارش خود به شورای حکام در ژوئن 2003م اعلام کرد ایران از مقررات پادمان کوتاهی کرده و پروسه غنی‌سازی را پیش برده است. به‌دنبال این گزارش آژانس از ایران خواست فعالیت‌های خود را به‌طور دقیق و شفاف به آژانس گزارش کند و نقشه‌ها و عملکرد راکتور آب سنگین را در اختیار آژانس قرار دهد (توانا، 1383: 15) و متعاقباً شورای حکام در جلسه سپتامبر 2003م (شهریور 1382) قطعنامه شدیدالحنی علیه جمهوری اسلامی صادر نمود و توقف کامل غنی‌سازی، امضای فوری پروتکل الحاقی، اعلام جزئیات کامل فعالیت‌های هسته‌ای به آژانس را درخواست نمود و تا پایان اکتبر 2003 (9 آبان 1382) برای اجرای قطعنامه مهلت داد (ضیائی بیگدلی، 1383: 13).

در ادامه روند مذکور وزرای سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان به ایران آمدند و پس از مذاکرات مفصل با نماینده تام‌الاختیار ایران (حسن روحانی) بیانیه مشترکی را امضاء کردند که ناظر بر اجرای قطعنامه‌های شورای حکام و شناسایی حق ایران برای استفاده از انرژی و فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای در چارچوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای¹ و بهره‌مندی آسان‌تر ایران از فناوری هسته‌ای به‌محض برطرف شدن نگرانی‌های غرب از فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود (همشهری، 1382/7/30: 2).

با صدور بیانیه تهران و اعلام موضع رسمی ایران مبنی بر همکاری با آژانس و امضای پروتکل الحاقی در 19 دسامبر 2003م، سازمان انرژی اتمی ایران گزارش مفصل در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران به دبیر کل آژانس ارائه داد. البرادعی در اسفند 1383 اعلام کرد که ایران حداقل آن‌چه را که لازم است برای اجرای تعهدات بین‌المللی خود انجام دهد، انجام می‌دهد و این کافی نیست و باید شفاف‌تر عمل کند. در همین زمان اروپا در اقدامی هماهنگ با ایالات متحده آمریکا علیه ایران، اعلام کرد در صورتی که ایران غنی‌سازی را متوقف نکند؛ پرونده ایران را به شورای امنیت خواهد کشاند؛ جایی که تحریم‌های بین‌المللی در انتظار ایران خواهد بود (روزنامه شرق، 1383/12/27: 2). هم‌زمان با روند فوق «سوزان رایس» وزیر امور خارجه (وقت) آمریکا، پرویز مشرف رئیس‌جمهور پاکستان را تحت فشار گذاشته بود تا جزئیات بیشتری از همکاری عبدالقدیرخان، دانشمند هسته‌ای پاکستانی در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای با ایران، به‌دست آورد (شرق، یکشنبه 1384/1/14: 5). چراکه به باور آنان عبدالقدیرخان (پدر بمب اتمی پاکستان) و شبکه‌ی او تامین‌کننده و حامی برنامه ساخت سانتریفیوژ در ایران و لیبی هستند و در طراحی و اجرای برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران نقش دارند. آنها هم‌چنین مدعی هستند که موشک‌های «شهاب-3» ایران توانایی تجهیز به کلاهک‌های هسته‌ای را دارند (جعفری، 1388: 144).

در چنین فضایی آمریکا، ایران را به کم‌کاری در مذاکره با اروپا متهم و تهدید به ارجاع پرونده به شورای امنیت می‌کرد. هم‌زمان وزیر خارجه آمریکا از منتفی نبودن گزینه نظامی در صورت نتیجه‌بخش نبودن روند دیپلماتی دم می‌زد و همراه با این اظهارات، کنگره آمریکا بودجه‌ای را برای کمک به مخالفان ایران تحت عنوان «حمایت از دموکراسی» تصویب کرد. اما البرادعی در اقدامی میانجی‌گرایانه خواهان ورود آمریکا به صحنه مذاکرات شد؛ این پیشنهاد که با استقبال اروپا و ناتو مواجه شده بود از سوی ایران و آمریکا، مورد توجه استقبال قرار نگرفت (سرداری، 1384: 70).

با انتخاب محمود احمدی‌نژاد به‌سمت ریاست جمهوری، روند مذاکرات پیشین نیز مورد انتقاد قرار گرفت و تعلیق داوطلبانه از سوی ایران کنار گذاشته شد و از تأسیسات «یو. سی. اف» اصفهان رفع پلمپ شد. اولین واکنش آمریکا و اروپا درخواست اجلاس فوق‌العاده شورای حکام و صدور قطعنامه مبنی بر تعلیق «یو. سی. اف» اصفهان و متهم کردن ایران به عدول از پادمان آژانس بود. آمریکا در سیاست گام‌به‌گام خود در ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، یک گام جلوتر رفت و با ممتنع کردن رای روسیه و چین، قطعنامه‌ای علیه ایران به تصویب رساند (سرداری، 1384: 70). در همین ایام، علی لاریجانی به‌عنوان دبیر شورای امنیت ملی، برنامه‌ی سیاست خارجی دولت جدید را در خصوص حل مسأله‌ی هسته‌ای بر مبنای سه گرانیگاه ذیل اعلام داشت:

الف) انتقال مذاکرات از گردونه‌ی تعاملات سیاسی با سه کشور اروپایی به چارچوب مذاکرات صرفاً حقوقی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

ب) افزایش تعداد دولت‌های شرکت‌کننده در مذاکرات اتمی.

پ) بهره‌گیری از سیاست نگرش به شرق و تشکیل جبهه‌ای در مقابل جبهه‌ی غرب (باوند، 1384).

با این اوصاف مناقشه هم‌چنان ادامه یافت و ایران پس از آغاز به‌کار مرکز (یوسی.اف) اصفهان، به راه‌اندازی مراکز دیگر نیز مبادرت ورزید و در نهایت در 20 فروردین 1385 آقای احمدی‌نژاد خبر دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته‌ای و ورود ایران به باشگاه هسته‌ای جهان را اعلام نمود. در این ایام، با رد قطعنامه از سوی ایران و به بن‌بست رسیدن دیپلماسی اروپا، دیپلماسی روسیه مبنی بر پیشنهاد غنی‌سازی در خاک روسیه مورد حمایت آمریکا قرار گرفت؛ زیرا در هر صورت به‌نفع پیشبرد روند مورد نظر آمریکا بود، چراکه در صورت موفقیت، ایران توسط روسیه همراه می‌شد و در صورت شکست به اجماع لازم برای ارسال پرونده به شورای امنیت دست می‌یافت. لذا از ضرب‌الاجل ماه نوامبر برای ارسال پرونده به شورای امنیت منصرف شد. اما راه‌اندازی مجدد تحقیقات هسته‌ای توسط ایران، روس‌ها را در شرایط دشواری قرار داد و آمریکا موفق شد چین و روسیه را با خود همراه کند. بدین‌سان راه برای ارسال پرونده ایران به شورای امنیت باز شد و در بهمن ماه 1384 پرونده ایران به شورای امنیت ارسال گردید (سرداری، 1384: 70).

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز که از سال 2002م تا سپتامبر 2005م شش قطعنامه متوالی با اجماع صادر نموده بود و در همگی آنها از ایران خواسته بود که هر نوع فعالیت اتمی را متوقف کند، در فاصله سپتامبر 2005 تا فوریه 2006 دو قطعنامه دیگر نیز علیه ایران صادر نمود؛ که اگر چه جلوگیری از فعالیت‌های هسته‌ای ایران را دنبال می‌کرد اما تهدیدهای بیش‌تری را نیز متوجه جمهوری اسلامی می‌نمود. قطعنامه‌های فوق که خواستار توقف کامل فعالیت‌های هسته‌ای ایران - از جمله فعالیت‌هایی که در چارچوب مقررات پیمان منع گسترش اتمی و پروتکل الحاقی مشروع و قانونی هستند - می‌گردید، شرایطی را مهیا نمود که پرونده هسته‌ای ایران به‌عنوان اخلاف‌گر عرصه امنیت بین‌المللی به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع گردد.

سرنجام شورای امنیت سازمان ملل قصد در تاریخ 1385/5/9 (31 ژوئیه 2006) مبادرت به صدور قطعنامه‌ای (قطعنامه شماره 2006/1696) علیه ایران نمود. این قطعنامه از ایران می‌خواست همه فعالیت‌های هسته‌ای و غنی‌سازی، حتی فعالیت‌های تحقیقاتی و علمی را متوقف ساخته و به اجرای کامل قطعنامه شورای حکام (قطعنامه Gov /14/2006) بپردازد.

پس از این اتفاق، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران (علی لاریجانی) در کنفرانس خبری موضع رسمی جمهوری اسلامی را اعلام کرد. وی قطعنامه را فاقد بار حقوقی لازم خواند و افزود ما تعلیق را نمی‌پذیریم؛ چون تخلفی نکرده‌ایم و کار خود را در چارچوب پیمان «ان. پی. تی» دنبال خواهیم کرد. وی افزود که ایران بررسی‌های خود را در مورد بسته‌ی 5+1 کامل کرده است؛ اما با رفتار اخیر کشورهای 5+1 باید آنها به بی‌اعتمادی ایجاد شده، پاسخ گویند و بدانند رفتار مغایر با ارائه پیشنهادات 5+1 موجب تجدیدنظر در سیاست ایران خواهد شد. جورج بوش نیز به‌دنبال صدور قطعنامه شورای امنیت هم‌زمان با اعزام نیروهای نظامی به منطقه، اظهار داشت در صورت توقف غنی‌سازی در ایران حاضر به مذاکره با تهران هستیم (خبرگزاری ایسنا؛ 1385/5/17).

با مطرح شدن امکان گشایش دفتر حافظ منافع آمریکا در ایران از سوی مقامات آمریکایی و واکنش مثبت مقامات ایرانی در این خصوص (از جمله شخص احمدی‌نژاد) و شرکت ویلیام برنز معاون وزیر امور خارجه در مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه 5+1 در ژنو (29 تیرماه 1387) که به‌گمان بسیاری از کارشناسان، تغییر در سیاست آمریکا در برابر ایران به‌شمار می‌آمد، بار دیگر پرده ابهام در برابر دیدگان ناظران بین‌الملل قد برافراشت. به‌گونه‌ای که عکس‌العمل مقامات اسرائیل را نیز برانگیخت و ایهود اولمرت به‌شدت از بوش به‌سبب آن‌چه که وی «حرکت به‌سوی صلح با ایران» نامید، انتقاد کرد و

آن را کاملاً مغایر با توافق سال گذشته دو کشور خواند. اما اندکی بعد آمریکایی‌ها اعلام کردند که برنامه مخفیانه هسته‌ای ایران و ایجاد تاسیسات چرخه سوخت هسته‌ای، برای غنی‌سازی اورانیوم در سطح بالایی است که برای ساخت و تولید سلاح هسته‌ای کاربرد دارد و هدف ایران از به‌دست آوردن سلاح‌های هسته‌ای به‌دلیل علاقه‌ی ذاتی جمهوری اسلامی برای محور اسرائیل و نیز برای از بین بردن «تمدن یهودی - مسیحی» است (Corsi & Bard, 2005). البته این ادعا، برای تهییج افکار عمومی و سازمان‌های بین‌المللی و همچنین صدور قطعنامه‌های مختلف در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت موثر بوده است. به‌طوری که شورای امنیت به صدور قطعنامه‌های 1696، 1737، 1747، 1803 تحت ماده 41 فصل 7 منشور سازمان ملل به‌منظور وضع تحریم‌هایی علیه دولت و ملت ایران و همچنین صدور قطعنامه 1835 و 1929 مبادرت نمود (ترکاشوند؛ مرادی، 1390: 170).

ردیف	شماره قطعنامه	تاریخ صدور	تعداد آراء
1	1696	31 جولای 2006	اجماع 15 عضو شورای امنیت
2	1737	23 دسامبر 2006	اجماع 15 عضو شورای امنیت
3	1747	24 مارس 2007	اجماع 15 عضو شورای امنیت
4	1803	3 مارس 2008	14 عضو شورای امنیت و رای ممتنع اندونزی
5	1835	27 سپتامبر 2008	اجماع 15 عضو شورای امنیت
6	1929	9 ژوئن 2010	12 عضو شورای امنیت، رای ممتنع لبنان و رای منفی ترکیه و برزیل

قطعنامه‌های صادر شده شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از سال 2006 تا 2010

اما با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری در سال 1392، باب جدیدی در فرآیند مذاکرات هسته‌ای باز گردید و با مذاکرات و تدابیر آقایان ظریف و عراقچی، آسمان تیره این گفتگوها رو به صاف و آبی‌شدن نمود و در حال حاضر (مهرماه سال 1393) جریان مذاکرات ایران و 1+5 در مرحله نهایی قرار دارد، بسیاری از تحریم‌های غرب برداشته شده و هر دو طرف در گفتگوها به‌مقدار زیادی به منافع ملی خویش دست‌یافته‌اند. هرچند نمی‌توان از فرجام پرونده‌ی هسته‌ای ایران که اینک تبدیل به یک چالش بین‌المللی گردیده، با قطعیت سخن گفت و باید منتظر تحولات آینده و مصالحت احتمالی و مصلحت‌های آتی بود.

همان‌گونه که در ابتدای این بخش اشاره شد دلایل چندی را می‌توان برشمرد که چرا طرفین درگیر این مناقشه در حل این پرونده از چارچوب مناسبات سنتی دیپلماسی خارج نشدند. اما به‌نظر می‌رسد دستاوردهای این رویکرد در حل این مناقشه با توجه به هزینه‌های آن کمتر از انتظار است. این رویکرد دارای نقاط ضعفی است که از کارآمدی آن می‌کاهد. به‌عنوان مثال تغییراتی که با عوض شدن دولت‌ها به‌وجود می‌آید گرچه شاید سیاست‌های کلی را عوض نکند اما روند گفتگوها در سطح دولت‌ها را دچار وقفه می‌کند و از تداوم لازم در این زمینه می‌کاهد. علت این امر این است که بدون زمینه‌ای مستحکم، گفتگوهای دولت‌ها به‌سادگی می‌تواند در معرض تغییر جهت‌های فراوان قرار بگیرد. اما در صورتی که زمینه‌ای نسبتاً پایدار برای روابط بین دولت‌ها به‌وجود آید، این تغییر جهت‌ها به‌سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود. در بخش بعدی اشاره خواهد شد که پارادایلماسی شهری نه تنها می‌تواند زمینه‌ی مناسب برای گفتگوها بر سر مناقشه‌ی هسته‌ای ایران را فراهم آورد؛ بلکه فی‌نفسه می‌تواند نقش کارآمد در این امر را داشته باشد.

پارادایلماسی شهری به عنوان راهبردی عمده برای برون‌رفت از مناقشه پرونده هسته‌ای ایران

مطالعه فراز و فرودهای سیاسی تاریخی مذاکرات هسته‌ای ایران یک نکته اساسی را پیش روی ما از پرده برون می‌افکند که این مذاکرات تنها از طریق رویکردهای دیپلماسی سنتی و کلاسیک پیش‌برده شده است. گفتگوکنندگان آن صرفاً از سطح دولت‌ها اقدام به مذاکره نموده‌اند. در حالی که امروزه فرصت‌ها و چالش‌های مشترکی پیش‌روی ملت‌ها قرار دارد که تنها با همکاری‌های در تمامی سطوح فراملی، ملی و فراملی رفع می‌گردد.

در حالی که هرگونه «تحریم»، «تقابل» و «تعارض» در عرصه بین‌الملل می‌تواند هزینه‌ها و فرصت‌سوزی‌های خاص خود را به‌همراه داشته باشد و از آنجاکه فرصت‌ها و چالش‌های جهانی دامنه‌ای متقابل و دو سویه در روابط بین‌الملل دارد، مسائل سیاسی - اقتصادی هم‌چون پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران هزینه‌هایی را خواسته و یا ناخواسته بر دو سوی این پرونده وارد می‌نماید. در حالی که توجه به مسیرهای موازی‌ای هم‌چون «پارادایلماسی شهری» در راه‌گشا نمودن پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از هزینه‌ها و فرصت‌سوزی‌ها در این زمینه می‌تواند جلوگیری نماید.

شهرهای متعددی در جهان وجود دارند که در مسیر توسعه پایدار اجتماعی و با رویکرد «پارادایلماسی شهری» خواهرخوانده یکدیگرند. در ایران و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، برای نخستین بار در سال 1373 تهران با «بیشکک»، پایتخت قرقیزستان خواهرخوانده اعلام شد و در حال حاضر تهران با شهرهای بزرگ دنیا از جمله «هاوانا» (کوبا، 2001)، «مسکو» (روسیه، 2004)، «مینسک» (بلاروس، 2006)، «کاراکاس» (ونزوئلا، 2005)، «سئول» (کره جنوبی، 1963)، «پرتوریا» (آفریقای جنوبی، 2002)، «پکن» (چین، 2006)، «استانبول» (ترکیه، 2006)، «لندن» (انگلستان، 1993)، «صنعا» (یمن)، «کویت» (کویت)، «خارطوم» (سودان)، «برازیلیا» (برزیل)، «مانیل» (فیلیپین) و «دوشنبه» (تاجیکستان) خواهرخوانده است (همشهری دیپلماتیک، 1384). «دیپلماسی شهری» با تأکید بر وجوه کاربردی «توسعه و بهسازی تعامل‌ها و مناسبات میان شهری» و «تکیه بر ملت‌ها به‌جای دولت‌ها»، می‌تواند در کنار دیپلماسی رسمی در بهبود مسائل پرونده هسته‌ای با دیگر کشورها موثر واقع شود و در این زمینه‌های با تسهیل ارتباطات با عرصه عمومی کشورهای جهان و اطلاع‌رسانی مناسب در این خصوص، نقش مؤثری در برون‌رفت از این مناقشه را ایفا نماید.

از دیرباز نیز روش‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در عرصه بین‌الملل برای اعمال سیاست خارجی کشورها مد نظر بوده است. اما به‌ظنر می‌رسد که به‌ویژه بعد از جنگ سرد، مؤلفه فرهنگ در سیاست خارجی کشورها نقش مهمی بازی می‌کند و دیگر موارد نامبرده را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است. به‌نحوی که اینک فرهنگ، نقش و جایگاه خاصی را در سیاست خارجی بیش‌تر کشورها به خود اختصاص داده است.

در جدول زیر می‌توان مولفه‌ها و مشخصات شیفت پارادایمی از رویکرد دیپلماسی سنتی به دیپلماسی نوین را مشاهده نمود. مولفه‌های این جدول در تنظیم مدلی جهت برون‌رفت از مسئله پرونده هسته‌ای از سوی این گزارش پژوهشی در انتها ارائه خواهد شد.

عناصر	دیپلماسی سنتی	دیپلماسی نوین
بازیگر دیپلماسی	دولت - ملت	بازیگران عرصه جهانی شدن
دیپلماسی	کلاسیک - سنتی	نوین - عمومی (دیپلماسی شهری)
سطح دیپلماسی	ملی	فراملی و فراملی
رویکرد سیاست	کلان	خرد
نحوه	دیپلماسی	پارادایلماسی (دیپلماسی‌های موازی)
روابط دیپلماتیک	بسته و مخفیانه	شفاف و باز
جنس رفتار بین‌الملل	مربوط به سیاست دولتها	مربوط به رفتار و گرایش‌ها در حیطه عرصه عمومی
مخاطب دیپلماسی	دولت - ملت	شهروندان - افکار عمومی
رویکرد توسعه	توسیع سیاسی - اقتصادی	توسعه اجتماعی پایدار
نوع حاکمیت	Government	Good government

جدول شیفت پارادایمی از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی نوین (اطلاعات این جدول از یافته‌های این پژوهش تنظیم یافته است).

اشاره ما به استفاده از پارادایلماسی شهری به معنای کاستن از نقش مهم دولتها در روابط بین‌الملل نیست؛ هنوز هم بازیگر اصلی در این عرصه دولتها هستند. تلاش ما این است که نشان دهیم اگر در کنار دیپلماسی کلاسیک از پارادایلماسی شهری استفاده شود، نتایج حاصل بسیار چشم‌گیرتر خواهد بود. با اعمال پارادایلماسی شهری می‌توان با تغییر در گرایش‌های عرصه‌ی عمومی دولتها مقابل و تأثیر گذاشتن بر افکار عمومی آنها از موضع‌گیری‌های متخاصم دولتها مقابل کاست و در نتیجه قدرت بیش‌تری در مذاکرات با این دولتها را به دست آورد.

راهکارهای پارادایلماسی شهری در سیاستگذاری خارجی

با توجه به راهبردهای پارادایلماسی شهری می‌توان راه‌کارهایی را جهت برون‌رفت و همکاری متقابل در خصوص پرونده هسته‌ای اعمال نمود؛ این راه‌کارها شامل چهارمحور کلی می‌باشد:

1. معرفی توانمندی و باورهای ملت و مردم ایران در نهادهای بین‌المللی با بهره‌گیری از دیپلماسی چندجانبه و استفاده از ظرفیت سازمان‌های فراملی چندجانبه و انجمن‌های بین‌المللی غیردولتی جهت تبادل نظر و یافتن زمینه‌های همکاری دوجانبه و چندجانبه جهت رفع مشکلات و بهره‌گیری از فرصتها.
2. فراهم کردن فضای مناسب برای تعامل و دیدار با مقام‌های فراملی شهری در نهادها و انجمن‌های بین‌المللی چندجانبه و استفاده از فرصت حضور در مجامع و سازمان‌های مختلف بین‌المللی دولتی و غیردولتی برای معرفی ارزش‌ها، توانمندی‌ها و باورهای شهروندان در قالب «برندسازی شهری»؛ هم‌چون برند «تهران؛ شهر قانونمند» که از سوی شهرداری تهران تبلیغ جهانی می‌گردد.
3. اطلاع‌رسانی و تولید و توزیع آگاهی در نهادهای بین‌المللی چندجانبه در سطوح منطقه‌ای و جهانی از طریق جمع‌آوری، پردازش، تولید و توزیع آگاهی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نشر این اطلاعات ارزشمند برای آگاهی‌بخشی به حوزه‌های علمی و اجرایی کشورهای دنیا و ارتقاء روابط و مناسبات بین‌المللی شهرها. به‌گونه‌ای که آگاهی و شناخت از ایران و ایرانی از مجاری سیاسی - اقتصادی دولتها متخاصم و کارتل‌های اقتصادی سودمحور نگذرد و افکار عمومی نسبت به فضای جاری و موجود در ایران جهت‌گیری سو نمایند.

4. هنجارسازی و شکل‌دهی به قوانین و مقررات حکومت‌های محلی در عرصه حقوق بین‌الملل در قالب بیانیه‌ها، صورت جلسه‌ها، فصلنامه‌ها و اعلامیه‌های مختلف صادره با هدف ایجاد هنجارهای رفتاری فراملی و جهت‌دهی به افکار عمومی بین‌المللی در زمینه‌ی روش‌های صلح‌آمیز بودن گسترش فعالیت‌های هسته‌ای ایران در عرصه جهانی. امروزه افکار عمومی آگاهند که پزشکی هسته‌ای از مهم‌ترین ابعاد صلح‌آمیز برنامه‌های هسته‌ای ایران اسلامی محسوب می‌گردد. گسترش این گونه فعالیت‌ها در این حوزه و افزایش آگاهی بخشی در این زمینه از اقدامات پارادایمی شهری می‌باشد که در رویکردهای دیپلماتیک کلاسیک و سنتی مذاکرات حاضر کمتر به آن توجه شده است. بدیهی است هر چه مذاکرات فراملی - فراملی در رقابتی نامحسوس اما بی‌امان بتوانند در کنار دیپلمات‌های وزارت خارجه برون‌رفت پرونده هسته‌ای ایران را تقویت نمایند به‌نوعی استعداد رشد و توسعه کشور عزیزمان را به اثبات رسانده‌اند و واضح است زمینه‌های جلب سرمایه‌گذاران و رونق اقتصادی نیز فراهم خواهد شد.

نتیجه‌گیری

پیچیدگی محیط بین‌المللی و تغییرات سریع تکنولوژی به‌همراه ویژگی‌های دموگرافیکی جهان موجب گردیده است که به مشکلات و مسائل تجمع‌گاه‌های بشری، شرایط فضایی و روابط اجتماعی - انسانی آن‌ها توجه بیش‌تری صورت پذیرد و اصولاً حکمرانی‌های فراملی به‌طور اعلام نشده‌ای مظهر بروز و ظهور قدرت فراملی هر کشور در عرصه فراملی تلقی گردند. باری «پارادایمی شهری» با هدف برقراری صلح بین‌المللی، حل مسئله پرونده هسته‌ای و توسعه اقتصادی می‌تواند نقش خود را در ارتقا روابط دیپلماتیک غیررسمی و به‌عنوان مکمل دیپلماسی رسمی حکومت مرکزی به‌منصه‌ی ظهور رساند. این مهم در پرتو شکوفایی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه دیپلماسی شهری امکان‌پذیر است. از دیگر موارد اهمیت و ضرورت این موضوع می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

نظام پایش و ارزیابی دوره‌ای وضعیت فرصت‌ها و چالش‌های پرونده هسته‌ای ایران توسط پارادایمی شهری، ارائه‌ی راهکارهای اختصاصی جهت اجرا، تدوین الگوی عملیاتی حاوی برنامه‌ها و اقدامات در خصوص دیپلماسی شهری. این اقدامات همواره دست‌آوردهایی را در بر خواهد داشت: کاهش ریشه‌ای سواستفاده از ناآگاهی و ترس در روابط دو کشور به‌دلیل فقدان اطلاعات؛ عاری بودن دیپلماسی شهری - فرهنگی از لحنی خصمانه و آمرانه در کنار جذابیت بیش‌تر؛ فرصت‌سازی و زمینه‌سازی گسترده‌تر برای بازیگران غیررسمی، نهادهای مدنی، اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی؛ کشف، ترویج، تعریف ارزش‌های مشترک و جهان‌شمول برای تأمین منافع ملی پایدار؛ گسترش ریشه‌ای درهای مفاهیم بیش‌تر و بهتر میان کشورها. در انتها اگر ما روش زندگی گروهی از مردم (برای نمونه ملت ایران) را به‌عنوان روندی که آن گروه خاص را به بلوغ رسانده است، به گروه دیگری (مردمی در آن سوی دنیا) انتقال دهیم، در نتیجه از این طریق ایجاد آگاهی نموده‌ایم، شادی و آرامش را افزوده‌ایم و هزینه‌ها را کاهش داده‌ایم.

منابع

الف) فارسی

1. احتشامی، انوشیروان (1378)، **سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی**، ترجمه زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
2. امینی، آرمین (1391)، جهانی‌شدن فرهنگ و کارکرد دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی، **فصلنامه راهبرد**، سال 21، شماره 65، زمستان.
3. باوند، داوود هرمیداس (1384)، دیپلماسی بومرنگ، بازگشت پیکان‌های رها شده به سوی خود، **ماهنامه نامه**، شماره 42، مهر.
4. بصیری، محمدعلی (1388)، ایران و سلاح‌های کشتار جمعی، اتهام‌ها و واقعیات، **مجله سیاست خارجی**، سال 12، شماره 4، زمستان.
5. ترکاشوند، جلال؛ مرادی، بهرام (1390)، ساختار نظام بین‌الملل و چگونگی برخورد با قدرت هسته‌ای ایران، **فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت نظامی**، شماره 41، سال 11، بهار.
6. توانا، کامبیز (1383)، در جستجوی اورانیوم مخفی شده: گاه‌شمار وقایع هسته‌ای ایران، روزنامه شرق، **ویژه‌نامه نوروز**.
7. جعفری، علی‌اکبر (1388)، اتحاد آمریکا و رژیم صهیونیستی و مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره 39، شماره 3، پاییز.
8. دهشیری، محمدرضا (1392)، پارادایپلماسی در عصر جهانی‌شدن: بررسی موردی دیپلماسی شهری، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن**، دوره 4، شماره 13، زمستان.
9. روزنا، جیمز (1382) **جهان آشوب‌زده**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
10. سرداری، محمدرضا (1384)، ایران و آمریکا در سال 1384، **سالنامه شرق**، شماره دوم.
11. سیمبر، رضا (1388)، دیپلماسی نوین در روابط خارجی؛ رویکردها و ابزارهای متغیر، **فصلنامه روابط خارجی**، سال اول، شماره 4، زمستان.
12. ضیائی‌بیگدلی، محمدرضا (1383)، چالش‌های حقوقی میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، **مجله پژوهش حقوق و سیاست**، سال 5، شماره 9، پاییز و زمستان.
13. **همشهری دیپلماتیک (1383)**، ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شماره 12، اردیبهشت.

ب) لاتین

1. Acuto, Michele (2013), *Global Cities, Governance and Diplomacy: the Urban Link*. Rutledge, Available At: <https://www.Routledge.com/products/9780415660884>
2. Coris, Jerom (2005), **Atomic Iran: How the Terrorist Regime Bought the Bomb and American Politicians**, Published by WND Books.
3. Mulcahy, Kevin V. (1999), "Cultural Diplomacy and the Exchange Programs: 1938 – 1978", **the Journal of Art Managements**.

4. Plano, Jack C. & Olton, Roy (1982), **the International Relations Dictionary**, California: ABC-Clio, Third Edition.
5. Sahai, P. S. (26-27 Feb 2002), Extracts from the Presentation at the India-Singapore, Date published 30/12/2003, in: [http://textus. Diplomacy. edu/textusBin/Viewers/oview/cultural diplomacy / oview. asp? Filter Topic=%2F38139](http://textus. Diplomacy. edu/textusBin/Viewers/oview/cultural%20diplomacy%20/oview. asp? Filter%20Topic=%2F38139)
6. Sahimi, Mohmmad (2003), Iran's Nuclear Program, Part: It's History, Available At: <http://www. Comw. org/pda/fulltext/03sahimi. html>.





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی